

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# تاریخ فلسفه

فصلنامه علمی پژوهشی انجمن علمی تاریخ فلسفه

سال پنجم، شماره اول، تابستان ۱۳۹۳ [پیاپی ۱۷]

مدیر مسئول: سیدمحمد خامنه‌ای  
سردبیر: حسین کلباسی اشتری  
مدیر اجرایی: مهدی سلطانی  
ویراستار فارسی: فاطمه محمد  
صاحب امتیاز: انجمن علمی تاریخ فلسفه  
ناشر: بنیاد حکمت اسلامی صدرا  
مترجم انگلیسی: دکتر رؤیا خوبی  
ویراستار انگلیسی: دکتر علی نقی باقرشاهی  
اعضای هیئت تحریریه:

حمیدرضا آیت‌اللهی، استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی  
عبدالرزاق حسامی‌فر، دانشیار فلسفه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی  
نصرالله حکمت، استاد فلسفه دانشگاه شهید بهشتی  
رضا داوری اردکانی، استاد فلسفه دانشگاه تهران  
محمدتقی راشد محصل، استاد فرهنگ و زبانهای باستانی دانشگاه تهران  
احد فرامرزی قراملکی، استاد فلسفه دانشگاه تهران  
حسین کلباسی اشتری، استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی  
سیدمصطفی محقق داماد، استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی  
فتح‌الله مجتبایی، استاد ادیان و عرفان دانشگاه تهران  
کریم مجتهدی، استاد فلسفه دانشگاه تهران

نشانی: تهران، بزرگراه رسالت، روبروی مصلاهی بزرگ تهران، مجتمع امام خمینی (ره)، ساختمان شماره ۱۲.

صندوق پستی: ۶۹۱۹ - ۱۵۸۷۵ تلفن: پیگیری مقالات: ۸۸۱۵۳۳۲۱ اشتراک و فروش: ۸۸۱۵۳۵۹۴

مرکز تدوین: ۸۸۱۵۳۴۹۴ نمایر: ۸۸۴۹۳۸۰۳

www.mullasadra.org Email: SIPRIn@mullasadra.org

شاپا: ۹۵۸۹-۲۰۰۸

براساس ابلاغیه شماره ۳/۱۸/۵۴۷۳۳ مورخ ۹۲/۴/۱۹ کمیسیون نشریات علمی کشور، فصلنامه تاریخ فلسفه دارای درجه علمی پژوهشی است. این فصلنامه در پایگاه‌های: Philosopher's Index و ISC نمایه میشود.

## راهنمای تدوین مقاله

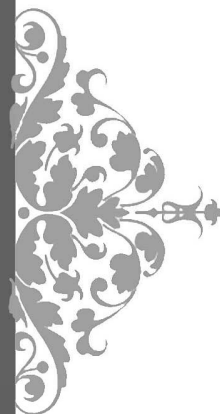
- فصلنامه تاریخ فلسفه نخستین نشریه تاریخ فلسفه در ایران است و مقالاتی را منتشر خواهد کرد:
۱. به روش پژوهشی اصیل و بنیادی تألیف شده باشد و حاوی نظریه، نگرش انتقادی، تحلیل تطبیقی یا برداشتی بدیع باشد.
  ۲. مقالات باید در حوزه تاریخ فلسفه و علوم عقلی، مطالعات تطبیقی، ریشه‌شناسی مکاتب و آراء فلسفی، یا سایر موضوعات تخصصی تاریخ فلسفه باشد.
  ۳. فصلنامه تاریخ فلسفه از مقالات برگرفته از آثار پژوهشی و پایان‌نامه‌های تحصیلی، با رعایت استنادات و ضوابط علمی مقرر، استقبال میکند.
  ۴. مطالب منتشر شده در فصلنامه تاریخ فلسفه بیانگر نظر و عقیده نویسندگان است و از این بابت مسئولیتی متوجه نشریه نیست.
  ۵. مقالات برگردان از زبانهای غیر فارسی یا مقالاتی که در جایی دیگر منتشر شده باشند، یا همزمان به نشریه دیگری ارائه شده باشند، بطور کلی مورد بررسی قرار نخواهند گرفت.
  ۶. هیئت تحریریه فصلنامه در پذیرش، اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است. همچنین ارسال مقاله به این فصلنامه بمنزله واگذاری حق تجدید چاپ مقالات منتشر شده به فصلنامه نیز هست و فصلنامه حق دارد چنانچه لازم باشد، نسبت به تجدید چاپ این مقالات بزبان فارسی یا هر زبان دیگری اقدام نماید.
  ۷. نویسندگان محترم باید مقالات خود را به آدرس الکترونیکی [siprin@mullasadra.org](mailto:siprin@mullasadra.org) ارسال کنند یا لوح فشرده حاوی فایل مقاله را به‌همراه نسخه مکتوب مقاله ارائه دهند. لازم است همراه مقاله، نامه‌ی مبنی بر درخواست بررسی و انتشار مقاله که حاوی اطلاعات دقیق: رتبه علمی، محل فعالیت، نشانیهای تماس (آدرس، تلفن، تلفن همراه، نامبر، ایمیل) و مختصری از سابقه فعالیت پژوهشی مؤلف ارائه شود.
  ۸. مقالاتی که به آدرس الکترونیک فصلنامه ارسال میشوند، در بخش «subject» پست الکترونیکی، عبارت «مربوط به فصلنامه تاریخ فلسفه» ذکر گردد.
  ۹. تمامی مقالات باید دارای عنوان، چکیده و واژگان کلیدی (به دو زبان فارسی و انگلیسی)، فصلبندی مناسب، نتیجه‌گیری و فهرست منابع باشد.
  ۱۰. حجم چکیده مقالات حداکثر ۱۵۰ کلمه و اصل مقالات حداکثر ۶۰۰۰ کلمه و در محیط word تایپ شده باشد.
  ۱۱. مقالات دریافتی بهیچوجه مسترد نخواهد شد.
  ۱۲. فرایند ارزیابی مقالات دریافتی بشرح ذیل خواهد بود:  
ویراستار علمی ← ۲ نفر از اساتید متخصص درباره موضوع مقاله ← هیئت تحریریه ← سردبیر.  
بدیهی است مقالاتی که در هر یک از مراحل فوق بتأیید نرسد، با ملاحظه سردبیر، از دستور کار خارج خواهد شد.
  ۱۳. پیگیری نتیجه ارزیابی مقالات بر عهده مؤلف(مؤلفان) است.

### شیوه ارجاع دهی و ارائه مباحث فرعی تکمیلی:

- هرگونه مطلب توضیحی و تکمیلی که ارتباط مستقیمی با محور مقاله نداشته باشد، باید بصورت پی‌نوشت ارائه شود.
- ارجاعات در فصلنامه تاریخ فلسفه باید بصورت پی‌نوشت با ذکر «نام مؤلف، نام منبع مورد استفاده، شماره صفحه» ارائه شود.
- ذکر مشخصات کامل کتابشناسی منابع، در فهرست منابع ضروری است.
- منابع غیر فارسی به همان زبان اصلی باید قید شوند.



۵	سخن سردبیر
	اعتدال طلایی ارسطو در تحلیل ابونصر فارابی
۹	زهره تویانی
	آموزه بازگشت جاودانه در فلسفه سهروردی و فیزیک پوانکاره
۴۱	مهدی عظیمی
	مکتب ودانتا و وحدت‌گرایی
۶۳	علی نقی باقرشاهی
	پیشینه تمایز دکارتی در فلسفه و کلام اسلامی
۸۹	مهدی اسدی
	جایگاه عدالت در اتوپای افلاطون و مدینه فاضله فارابی
۱۲۱	حسین کلباسی اشتری و پرویز حاجی‌زاده
	بررسی تفسیر هایدگر از دیالکتیک افلاطون در «درسگفتار سوفسطایی افلاطون»
۱۴۳	محمود نوالی، حسن فتحی و صدیقه موسی‌زاده نعلبند
	معنا و متعلق شهود عقلی در طرح اخلاق مشرقی ابن‌سینا
۱۶۹	میرسعید موسوی کریمی، علی‌اکبر عبدالآبادی و محمدنهانی جعفریان





# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرآغازها همیشه و در همه جا مورد توجه - و البته روشنگر و راهنما - بوده‌اند. آدمی هیچگاه از پرسش و گفتگو درباره سرآغاز فرهنگ و تمدن در اینجا و آنجا و مناشی و منشأ مقولاتی چون زبان و هنر و دین و اعتقاد و آداب و بطور کلی ساحتها و شئونات گوناگون انسانی خسته و ملول نشده، بلکه مستمراً به طرح مجدد آن علاقه نشان داده است. پرسش و گفتگو درباره سرآغاز فلسفه نیز پیشینه درازی دارد و هر از گاهی نوشته‌یی تازه در باب اینکه چرا مثلاً یونانیان را آغازگران و پیش‌قراولان فلسفه نامیده‌اند، چاپ و منتشر میشود. بظاهر در این زمینه اتفاق نظر و اجماعی صورت گرفته که جای هیچ تردیدی را باقی نمیگذارد؛ یعنی ظاهراً در اینکه «یونیا» و «حکمای ملطی» همانا طلایه‌داران تفکر فلسفی بوده‌اند، هیچکس تردید نمیکند. روشن است که این معنا متکی به دلایلی است و آن دلایل هم در حکم حجتهای قاطع، مورد پذیرش اهالی فلسفه قرار گرفته است. شاید دلیل اصلی این نظر به گزارش یا گزارشهای مورخان و نویسندگان قدیم - نظیر دیوگنس لائرتیوس و اثر معروف وی بنام *حیات فیلسوفان نامدار* - بازگردد که در خلال آن فهرستی از متفکران یونان و روم همراه با آثاری از آنان از حدود قرن هفتم پیش از میلاد به اینسو عرضه شده و احیاناً ترجمه‌یی در آراء و احوالات شخصی آنها نیز ضمیمه شده است. اغلب و یا تمامی صاحبان تراجم و ملل و نحل و فهرست‌نویسان نیز به به استناد همین سنخ از گزارشها، سیری از تحوّل و تطوّر آراء فیلسوفان را از عهد یونان باستان تا عصر خویش منعکس ساخته‌اند (برای نمونه،

۵



سیسرون و پلوتارک و پولیبیوس). اما دلیل دیگری که معمولاً در کتابهای تاریخ فلسفه - و البته بکرآت - از آن یاد میشود و البته در عداد مشهورات و مسلمات بشمار آمده آن است که چون منشأ واژه فلسفه، مصدر «فیلوسوفیا» و صورت اسمی آن «فیلوسوفوس» است و از آنجا که ایندو و مشتقات آن، واژه‌هایی یونانیند و در کلمات برخی حکمای قدیم نیز استعمال شده‌است، حکایت از آن دارد که منشأ فلسفه سرزمین ایونیاست. اکنون قصد مناقشه در اعتبار و اتقان این دلایل را نداریم؛ زیرا از قضا نه سودمند است و نه حتی موجه و نگارنده نیز نه در موضع مخالفت با فلسفه است و نه قصد همراهی و هم‌سخنی با جماعت طاعنین به فلسفه را دارد؛ زیرا اغلب آنانکه از سر مخالفت با فلسفه درمی‌آیند، به خدشه در همین دلایل سخت علاقه نشان میدهند! مخالفت با فلسفه فی‌نفسه مذموم نیست؛ ولی اولاً، طعن و ذم شاخه‌یی از دانش و اهالی آن دانش چیزی جز عصبیت و ناپختگی نیست و ثانیاً، زبان و لحن طعن‌زندگان نه برهان و دلیل، بلکه تکفیر و اهانت و حداکثر آنکه بیان جدلی است. در اینجا سخن ما تأمل و توقف در چیز یا چیزهایی است که احیاناً صورت مشهور و مسلم یافته، پوشاننده حقیقت است و اساساً روح تفکر و فلسفه با آن ناسازگار است. ما تنها به ذکر ملاحظاتی چند اکتفا میکنیم:

۱. شاید هیچ قومی باندازه یونانیان به نوشتن و ثبت افکار و احوال و دستاوردهای خویش علاقه نشان نداده‌اند. از قضا همین عامل سبب شده است که امروز ما آگاهی نسبتاً دقیقی از صور و اشکال مدنی، سیاسی، هنری، دینی و فرهنگی آنان در دست داشته باشیم. یقیناً آگاهی ما از چهره‌ها و مکاتب و عقاید فلسفی آن عصر نیز از همین علاقه آنان به ثبت و ضبط دستاوردهایشان نشئت میگیرد؛ چرا که در غیر اینصورت هیچ نشانه و مدرکی از آراء و عقاید مردمانی در ۲۷ قرن پیش از ما وجود نمیداشت و چیزی نبود که بتوان آن را از کاوشهای باستانشناسی و گمانه‌زنیهای تاریخی بدست آورد. البته تأثیر و ماندگاری میراث علمی و فرهنگی اقوام صرفاً متکی به حجم آثار باقی مانده از آنها نیست؛ زیرا تمدنهایی بوده‌اند که آثار خام یا صورتبندی شده‌یی از آنها را امروزه در

دست داریم، اما تأثیری عملاً در راه و رسم و آداب و مناسبات بشر جدید نداشته و ندارند. در عین حال نمیتوان انکار کرد که حجم وسیعی از آثار ادبی، هنری، علمی و فلسفی یونانیان در فاصله ۲۷۰۰ سال اخیر، عرصه حیات فرهنگی غرب و بتبع آن عوالم دیگر را تسخیر کرده و شاید مجال را بر عرضه و ظهور سایر صور حیات فرهنگی تنگ کرده است. نکته اینجاست که آیا میتوان مسلّم گرفت یونانیان در ساحت تفکر فلسفی یگانه و بی‌رقیب بوده‌اند و آیا به صرف عدم دسترسی به دیگر مدارک کهن، میتوان به عدم مشارکت دیگر اقوام در این سنخ تفکر - یعنی تفکر فلسفی - حکم کرد؟ این سخن درست است که یونانیان در نوع نگاه وجودی و طبیعی خود به عالم یگانه بوده‌اند، اما نوع نگاه به عالم، یگانه و واحد نیست: مصریها، ایرانیها، هندیها و اقوام ساکن در آسیای صغیر نیز از این نوع نگاه بیبهره نبوده‌اند؛ با این تفاوت که در بسط و تفصیل و احیاناً انتشار آن همانند یونانیان توفیق نداشته‌اند. بنابراین، مسئله اصلی در اینجا، تأمل و کوشش در استنتاج و فهم صورتهایی از تفکر فلسفی نزد اقوام غیر یونانی است که امروز صامت و خاموش است و باید مجال سخن پیدا کنند و مهمتر از آن فهم اینکه سهم و دین آن صورتهای برگردن یونانیها تا چه اندازه بوده است؟

بسیاری از مورخان و باستانشناسان و کاوشگران و یونان‌شناسان معتقدند که مهمترین خصیصه فرهنگ کهن یونانی در «هاضمه قوی» آنها نهفته بوده؛ بدینصورت که آنان در جلب و جذب عناصر علمی، فرهنگی و فلسفی عصر خویش توانایی یافتند و سپس همان عناصر مکتسبه از فرهنگهای مجاور را در هاضمه خود ترکیب و تألیف کردند و صورت جدیدی به آن بخشیدند. عرصه بدیع و نوآورانه در پژوهشهای تاریخ فلسفه ناظر به شناسایی و کشف همین عناصر است؛ بویژه آنکه بیاد آوریم مفهوم «غیر» یا «بیگانه» در تکوین هویت اجتماعی عصر کلاسیک یونان، نقشی کلیدی برعهده داشته و کمتر ساحتی از دین و سیاست و اخلاق و فرهنگ یونانی را میشناسیم که نسبت مستقیمی با مفهوم مذکور نداشته باشد.



۲. نیک میدانیم که واژه «فیلسوفوس» در اصل بمعنای عشق و دلدادگی به دانش بوده است. تأمل در زمینه‌ها و اسباب شکلگیری این واژه نیز بسیار روشنگر است؛ اعم از آنکه این واژه را به فیثاغورس یا به کسان دیگری پس از او نسبت دهند و یا اساساً شخص خاصی را مُبدع آن ندانند. همینقدر روشن است که این واژه در مقابل جماعت سوفیست یا شبه‌سوفیستی که منکران یا تشکیک‌کنندگان در حصول و تحصیل معرفت بوده‌اند، پدید آمد. نه در زمان طالس و فیثاغورس و نه حتی در عهد افلاطون و ارسطو، گروه و جماعت خاصی بنام فیلسوفان وجود نداشتند؛ آنها به تحصیل دانش و تأمل عقلانی در امور اقبال میکردند و از اینجهت درمقابل منکران معرفت یقینی شکل گرفتند. وجود گروه یا گروههایی از دانایان و خردمندان و کاهنان در چین و هند و مصر باستان و برای نمونه، جماعت «مغان» در ایران که جملگی به صفت فرزاندگی و حکمت متّصف شده‌اند، حکایت از وجود ریشه‌های عمیق دانش و دانشمندی، فراتر از مرزهای یونان کهن دارد. بدین ترتیب «فیلسوفوس» میتواند قلمرویی فراتر از حدود جغرافیایی یونان قدیم پیدا کند و ممکن است سؤال شود که آیا دیگر اقوام نیز مانند یونانیان در تفکر نظری عقلانی نسبت به وجود و - وجودشناسی و کیهان‌شناسی - کائنات بهره‌ی داشته‌اند؟ پاسخ به این پرسش هرچه که باشد اولاً، مسبوق به گذار از همان مشهورات سابق‌الذکر است و ثانیاً، معطوف به گشایش آفاق جدید عامی است در پژوهشهای تاریخی با تمرکز بر استحصال صور تفکر عقلانی در میراث آیینی، اخلاقی، فرهنگی و هنری اقوام کهن. آفت این کوشش نو، محال دانستن آن و در نتیجه بسته شدن امکان جستجو و پژوهشهای بدیع در قلمرو تاریخ فلسفه است.

سردبیر





# The Meaning and Object of Intellectual Intuition in Ibn Sina's Oriental Ethics

*Mir Saeid Mousavi Karimi<sup>1</sup>, Ali Akbar 'Abdolabadi<sup>2</sup> and Muhammad Hani Jafarian<sup>3</sup>*

The present paper presents a definition for "intellectual intuition" in Ibn Sina's Oriental epistemology as referred to in his *Rasa'il mashriqi*. Accordingly, in the first part, the writers initially explore the different meanings of intuition. Then, through an analysis of Ibn Sina's epistemological system, under titles such as "A Study of Different Stages of Acquiring Knowledge" and "A Study of Various Stages of Conjecture", they try to explain Ibn Sina's specific definition of intellectual intuition. Finally, by comparing his definition with other ones, they pinpoint their differences and similarities and refer to his all-inclusive definition of intellectual intuition. In the second part, through investigating the specific features of Ibn Sina's definition of this concept, the writers introduce the objects of intellectual intuition, the good and evil moral attributes of the soul, the evident ethical propositions, and the particular ethical acts.

## Key Terms

Ibn Sina  
intellectual intuition  
conjecture

ethics  
knowledge

14

1. Assistant Professor, Philosophy Department, Mufid University of Qum, e-mail: msaeid\_karimi@yahoo.com
2. Assistant Professor, Philosophy and Kalam Department, Shahid Beheshti University, e-mail: abdolabadi88@gmail.com
3. MA candidate of Western Philosophy, Mufid University of Qum, e-mail: hani.jafarian@gmail.com (first author)



سال پنجم، شماره اول  
تابستان 1393

unprecedented picture of their thoughts. In this paper, the writers have evaluated Heidegger's loyalty to the thoughts of his intended philosopher (Plato) and, while exploring Platonic dialectic in the light of Heidegger's philosophy, review the latter's interpretation of this particular idea.

### Key Terms

dialectic  
Aristotle  
existence  
non-principial

Plato  
Heidegger  
principial



# A Study of Heidegger's Interpretation of Dialectic in Plato's Dialog of the Sophist

*Mahmoud Nawali,<sup>1</sup> Hassan Fathi,<sup>2</sup> and Sadiqah Moosazadeh  
N'alband<sup>3</sup>*

The term dialectic has a Greek root and enjoys a historical background as long as that of philosophy itself. This term has been employed by most philosophers at all times and has undergone some changes in terms of meaning in line with the differences in the views of different philosophers. The present paper aims to recount, examine, and evaluate Heidegger's interpretation of the word "dialectic" as used by Plato.

Heidegger's interpretation of Plato's dialectic is other than the common interpretations provided by most interpreters. While examining the interpretations given by the philosophers preceding him, Heidegger enters a dialog with them and believes that he has observed the norms of justice in this dialog while granting some freshness and beauty to their interpretations through employing a specific composing style and arrangement of ideas. At the same time, he has remained loyal to the interpreted text. In fact, while having a dialog with philosophers (particularly, Plato and Aristotle) and interpreting their views, Heidegger tries to remain objective and portray a new and

12

- 
1. Professor, Philosophy Department of Tabriz University.
  2. Associate Professor, Philosophy Department of Tabriz University, e-mail: hfathi42@yahoo.com
  3. PhD candidate of Western Philosophy, Tabriz University (first author), e-mail: moosazadeh\_philosophy@yahoo.com



سال پنجم، شماره اول  
تابستان 1393

# Place of Justice in Plato and Farabi's Utopia

*Hossein Kalbasi Ashtari<sup>1</sup> and Parviz Hajizadeh<sup>2</sup>*

Justice is the key term by which Farabi has managed to explicate the foundations of the genetic system of the world. Moreover, based on the same concept and following Plato, he has entered it into the structure of utopia and justified the system of individual ethics accordingly. Here, the writers maintain that it is only through matching the system of divine legislation to creation and using it as a model in establishing individual and social relationships that Man can attain happiness, which is the ultimate end of Plato and Farabi's utopia.

## Key Terms

utopia

Farabi

happiness

justice

Plato

11

---

1. Professor, Philosophy Department of 'Allamah Tabataba'i University.

2. PhD candidate of Comparative Philosophy, 'Allamah Tabataba'i University, e-mail: ph\_171977@yahoo.com (first author)



# Background of the Cartesian Distinction in Islamic Philosophy and *Kalam*

*Mahdi Assadi\**

This paper intends to demonstrate that the traces of the epistemological criterion for Cartesian distinction existed previously in Islamic philosophy and *kalam*. Hence, the writer initially refers to Descartes' views and follows their traces in the ideas of early Muslim scholars. Then he refers to the views of some Muslim thinkers such as Fakhr al-Din Razi, 'Allamah Hilli, Taftazani, and Mulla Sadra, who were already involved in this discussion more than others and propounded more solid and plausible theories in this regard. They have sometimes reviewed the same informed theories critically before some of the critiques of Descartes. In this way, the author reveals that Islamic thinkers' interpretation of the Cartesian distinction is closer to Hume's more solid interpretation of this notion than to that of Descartes himself. Hume states that clarity and distinction result in possible existence rather than the very existence of the researchers.

## Key Terms

Cartesian distinction  
Islamic philosophy and *kalam*  
annihilated

knowledge  
existent

10

---

\* PhD in Islamic Philosophy and Wisdom, Tehran University, e-mail: mahdiassadi@alumni.ut.ac.ir



# School of Vedanta and Non-Dualism

*Ali Naqi Baqershahi\**

Vedanta is the most original Indian philosophical school which has borrowed its basic principles from Upanishads and emphasizes non-dualism. Indian historians have divided the history of this school into three periods: Pre-Shankara, Shankara, and Post-Shankara. In the first period, some figures such as Badarayana and Gaudapada emerged and laid the foundation for Vedanta philosophy. In the second period, Shankara expanded this school and played a significant role in spreading and disseminating it. During the third period, Ramanuja presented a different interpretation of non-dualism and the notion of Ultimate Reality based on his own critical views and pushed the borderlines of this school even further. Generally speaking, each of the founders and interpreters of Vedanta philosophy explained and expanded this school based on their own philosophical tastes and views and tried to enrich it more than ever before. However, the important point here is that all of them were unanimous regarding the notion of non-dualism. Of course, they had some serious disagreements concerning certain issues, which can also be seen among their advocates. Some of the contemporary Indian thinkers, such as Rabindranath Tagore tried to reconcile their ideas with each other in some way. Vedanta has also influenced contemporary Indian philosophers and artists to such a great extent that their worldview has been completely affected by this school. In the present paper, the writer traces the historical development of the school of Vedanta and explores its relationship with non-dualism.

9

## Key Terms

Vedanta School of philosophy  
Shankara  
Ramanuja

non-dualism  
Upanishads

\* Assistant Professor, Philosophy Department, Imam Khomeini International University, e-mail: abaqershahi@yahoo.com



long that the life of its components will come to an end long before that time. This will make the recurrence of the universe impossible. Therefore, this paper concludes that the theorem of "eternal recurrence", which Suhrawardi also believes in, is essentially possible but practically impossible.

### Key Terms

eternal recurrence  
Suhrawardi

proposition of recurrence  
Poincaré



# Theorem of Eternal Recurrence in Suhrawardi's Philosophy and Poincaré's Physics

*Mahdi 'Azimi\**

"Eternal recurrence" is an old theorem in the history of philosophy stating that any event in the world will recur in future in a self-similar form an infinite number of times as it has recurred an infinite number of times previously. Suhrawardi discusses this theorem in his *Hikmat al-ishraq* and *al-Mashari' wa al-mutarihat* and adduces some arguments in order to demonstrate it.

In his *T'aliqat* written on Outb al-Din Shirazi's commentary on *Hikmat al-ishraq*, Mulla Sadra evaluates Suhrawardi's argument and deems them unfounded. However, the falsity of the argument does not indicate the falsity of the claim, particularly, because we have Poincaré's "proposition of recurrence" before us demonstrating that, in any system, the initial states of all component parts of a whole will recur after the passage of a sufficiently long time. This idea necessitates the demonstration of the theorem of "eternal recurrence". Nevertheless, one must ask how long this sufficiently "long time" is. Based on the calculations of Chandrasekhar, for a spherical volume of air with a radius of one centimeter at a standard point of temperature and pressure, with one percent of fluctuation in density around the mean, this time is equal to 3 trillion years! Therefore, the time of the recurrence of the whole universe is so

7

---

\* Assistant Professor, Islamic Philosophy and Western Department, Tehran University, e-mail: mahdiazimi@ut.ac.ir





emphasizing this problem, this paper intends to demonstrate how Farabi has organized his ethical system based on the elements he has borrowed from Aristotle.

### Key Terms

ethics

happiness

knowledge

mean

state

Farabi

Aristotle



# Aristotelian Golden Mean in Abu Nasr Farabi

*Zohreh Tavaziany\**

From among the views propounded in the field of ethics, Aristotle's theory of golden mean has attracted the greatest attention of Muslim philosophers, including Farabi, who is considered to be the founder of Islamic philosophy. The problem here is whether Farabi himself was merely content with a pure imitation, explanation, and expansion of Aristotle's theory in designing his ethical system or developed his independent view in the realm of ethics. Through presenting a documented report of Farabi's views in ethics, the present paper intends to demonstrate that, in spite of Aristotle's undeniable influence on his thoughts in the development of some of his philosophical principles in the field of ethics, such as considering happiness to be the ultimate goal and resorting to the theory of the mean in explaining virtues and posing Aristotle's four-fold virtues, Farabi was never content with a mere explanation of Aristotle's ideas in this regard and, on the contrary, presented his own specific theories. Clearly, Farabi promotes happiness from the level of a purely ethical concept with an individualistic bent to the level of a social concept and considers it to be the foundation of the political systems that are based on virtue. He also enters some purely religious features into this field and clearly explains them. However, his ideas in this regard are not immune to criticism. What places Farabi with regard to his ethical theories in the same line with Aristotelians is the problem of proposing the mean as the criterion for determining moral virtues. Through

5

---

\* Associate Professor, Philosophy Department, al-Zahra University, e-mail: drztavaziany@yahoo.com





## Contents

<b>Aristotelian Golden Mean in Abu Nasr Farabi</b> <i>Zohreh Tavaziany</i> .....	5
<b>Theorem of Eternal Recurrence in Suhrawardi's Philosophy and Poincaré's Physics</b> <i>Mahdi 'Azimi</i> .....	7
<b>School of Vedanta and Non-Dualism</b> <i>Ali Naqi Baqershahi</i> .....	9
<b>Background of the Cartesian Distinction in Islamic Philosophy and <i>Kalam</i></b> <i>Mahdi Assadi</i> .....	10
<b>Place of Justice in Plato and Farabi's Utopia</b> <i>Hossein Kalbasi Ashtari and Parviz Hajizadeh</i> .....	11
<b>A Study of Heidegger's Interpretation of Dialectic in Plato's Dialog of the Sophist</b> <i>Mahmoud Nawali, Hassan Fathi, and Sadiqah Moosazadeh N'alband</i> .....	12
<b>The Meaning and Object of Intellectual Intuition in Ibn Sina's Oriental Ethics</b> <i>Mir Saeid Mousavi Karimi, Ali Akbar 'Abdolabadi and Muhammad Hani Jafarian</i> .....	14





He is the Wise, the Omniscient

# History of Philosophy

Journal of the International Society of the History of Philosophy



Volume 5, Number 1, Issue 17, September 2014

**Publisher:** Sadra Islamic Philosophy Research Institute

**Director:** Professor Seyyed Mohammed Khamenei

**Editor-in-chief:** Professor Hossein Kalbasi Ashtari

**Administrative Manager:** Mahdi Soltani Gazar

---

**Editorial Board:**

Prof. Karim Mojtabehi, *University of Tehran*

Prof. Fathullah Mojtabaei, *University of Tehran*

Prof. Reza Dawari Ardakani, *University of Tehran*

Prof. Nasrullah Hekmat, *Shahid Beheshti University*

Prof. Ahad Faramarz Qaramaleki, *University of Tehran*

Prof. Hamidreza Ayatollahy, *Allameh Tabatabaei University*

Prof. Hossein Kalbasi Ashtari, *Allameh Tabatabaei University*

Prof. Muhammed Taqi Rashed Mohassel, *University of Tehran*

Prof. Seyyed Mostafa Mohaqqiq Damad, *Shahid Beheshti University*

Prof. Abdurrazzaq Hesamifar, *Imam Khomeini International University*

---

**English Translator:** *Dr. Roya Khoii*

**English Editor:** *Dr. Ali Naqi Baqershahi*

**Persian Editor:** *Fatemeh Mohammad*

---

**Address:** Building #12, Sadra Islamic Philosophy Research Institute, Imam Khomeini Complex, Resalat Exp., Tehran, Iran.

**P.O. Box:** 15875, 6919

**Telephone:** (+98 21) 88153210, 88153594

**Fax:** (+98 21) 88493803

**Email:** SIPRIn@mullasadra.org

[www.mullasadra.org](http://www.mullasadra.org)

---

**ISSN:** 2008-9589

According to certificate Number 3/18/54733 issued on July 10, 2013 by the Ministry of Science, Research and Technology, the Quarterly of *History of Philosophy* has a Scientific-research degree.

It is indexed in the following centers: Islamic World Science Citation Center (ISC), Philosopher's Index